فسبحانک اللّهمّ یا الهی کیف احرّک شفتای بذکرک بعد علمی بانّ ذکری و وجودی مفقود لدی ظهورات عزّ سلطنتک و معدوم عند شئونات قدس ازلیّتک و کیف اصمت عن الذّکر تلقآء مدین احدیّتک بعد الّذی حبّک اخذ الزّمام عنّی و یحرّکنی کیف یشآء بحیث جُعلت مقهوراً بین یدیه و لم اقدر علی الصّبر فی حبّک و لا الاصطبار فی امرک و ان امنع اللّسان عن بدایع نطقه فی وصفک فوعزّتک قلبی یرفع اعلام ذکرک و ان ءاخذ القلب عمّا کان علیه لئلّا یطّلع احد حبّی ایّاک فوجمالک روحی تطیر فی سمآء قربک و تدفّ فی عمآء وصلک و ان امنع القدم عن المشی فی سبیلک اشاهد بانّ الایدی رفعت الی حدیقة عزّک و مدینة لقآئک فسبحانک یا الهی کیف یمنع من خلق فؤاده بحبّک و عجن طین کینونیّته بمآء محبّتک و ذوّت ذاته من رشحات قربک و احرق قلبه من نار وصالک اذاً اسئلک یا الهی بنورک الاوّل و بظهورک الآخر بان تجعل هذا العبد الّذی اقام لدی باب عزّتک و سجد التّراب خاضعاً لامرک مستقیماً بحبّک و منقاداً لسلطنتک و مقبلاً لحرم جمالک و محرماً کعبة اجلالک اذ انّک انت المقتدر علی ما تشآء و انّک انت المهیمن القیّوم

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ۱۹ سپتامبر ۲۰۲٣، ساعت ۳:٠٠ بعد از ظهر